

# سخن سردبیر

اشتوکلین: چهره‌ای ماندگار در زمین‌شناسی ایران

به شما به ویژه جوانان جویای نام در رشته زمین‌شناسی توصیه می‌کنم کتاب «سرزمین پارس» نوشته زنده یاد یوان اشتوکلین (۲۰۰۸-۱۹۲۱) زمین‌شناس نام آشنا در فرهنگ زمین‌شناسی ایران را که خاطرات بیش از ۲۵ سال کار مثال زدنی او در این کشور می‌باشد حتماً مطالعه نمایید.

در فرهنگ نام آوران خارجی در زمین‌شناسی ایران، نام‌هایی چون گانسر، هوبر، روتتر، استپانوف، جیمز و وایند، هوکریده، رین و ... به چشم می‌خورد که هر کدام به گونه‌ای به زمین‌شناسی ایران خدماتی انجام داده‌اند ولی هیچکدام از آنان تداوم خدمتی در حد و اندازه‌های اشتوکلین را تجربه نکرده‌اند. آنگونه که در خاطرات حضورش در ایران آورده از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۵ در ایران بوده که ابتدا به عنوان کارشناس سازمان ملل به شرکت نفت آن زمان معرفی و مشغول به کار شد. شرح مسافرت‌های پژوهشی - اکتشافی‌اش با هدف یافتن میدان‌های نفتی در نقاط مختلف خاور ایران از جمله بلوچستان، کویر لوت و خاور دور کشورمان واقعاً خواندنی، عبرت‌انگیز و آموزنده است. بخوانید و ببینید در چه شرایط و چه امکاناتی کار کرد و چقدر لذت بخش آنها را توصیف کرده‌است به عنوان مثال در صفحه ۱۱۶ کتاب آورده «من و مشتاقان با مشقت سوار زین‌ها شدیم و به پیش بسم الله .. در رأس کاروان سیدهاشم پیش می‌رفت در پشت او» بر فراز شتر «من بودم، مغرور مثل یک شاه بر فراز اریکه شاهی، آن بالا روی شتر نشسته بودم که واقعاً یک کشتی جنگی را می‌ماند و ... «آیا شترسواری آن‌هم در منطقه‌ای مانند بلوچستان آن زمان را می‌توان با اریکه شاهی هم‌سنگ دانست؟ آیا این چیزی غیر از یک عزم آهنین و انگیزه استثنایی و علاقه مثال زدنی به حرفه‌ای مانند زمین‌شناسی می‌تواند باشد که در آدم‌هایی چون اشتوکلین نمودار می‌شد.

در سال ۱۹۶۱ به کمک و بودجه مخصوص سازمان ملل، سازمان زمین‌شناسی تأسیس شده و اشتوکلین به موجب حکمی مأموریت یافته تا به اتفاق دیوید اندروز و کارشناسان ایرانی (مرحوم خادم، نبوی و صمیمی) زیرساخت‌های یک سازمان زمین‌شناسی استاندارد که تا آن زمان در فرهنگ نامه‌ها به عنوان «معرف الارض» با شرحی در حد چهار، پنج کلمه معرفی شده بود که نه تعریف زمین‌شناسی از آنها در می‌آید و نه این که کسی از تحصیل در این رشته و ویژگی‌های آن خبر داشت را پی ریزی نماید و حاصلش آن شده که امروزه می‌بینیم. به زیر پوشش رفتن سطح کلی مملکت توسط نقشه‌های ۱:۲۵۰۰۰۰ (۱۴۶ برگ) و ۱:۱۰۰۰۰۰ (۶۲۵ برگ) و بسیاری کارهای اکتشافی و موضوعی که در سایت سازمان ذخیره شده‌اند. با توصیف بالا بد نیست با نگاه گذرای انگیزه آمدنش به ایران را مرور کنیم: «در یکی از روزهای زیبای ماه اکتبر سال ۱۹۴۹ اتفاق بسیار عجیبی در زندگی من روی داد. در حین گردش در منطقه اشنانین فور اشتاپ در شهر بازل با فرانسوا بانویی که در زمان اقامتم در ژنو با او آشنایی داشتم، روبرو شدم. او را برای نوشیدن قهوه به کافه «تروبیک» دعوت کردم ...» و در ادامه تا آنجا می‌رسد که می‌گوید: «او نگاهی به نقشه‌روی میز انداخت ناگهان بالحن شوخی از من پرسید: اگر تو جای انتخاب داشتی کجا می‌رفتی؟ شاید در آن لحظه رویای واقعی از آینده داشتم زیرا قاشق چای خوری را برداشته و با دسته آن همین طوری به بلوچستان در ایران اشاره کردم و گفتم من حاضر بودم برای نمونه در همین نقطه سوار بر شتری شده و از میان بلوچستان به سمت تهران بروم» و همین کار را هم کرد.

راستی بلوچستان (آن‌هم بلوچستان ۵۰-۶۰ سال پیش) چه جذایبی داشت که اشتوکلین را تا اندازه تحریک می‌کرد که زندگی در بلوچستان را بر کشوری چون سوئیس ترجیح دهد؟ و شتر سواری را بر مرسدس بنز سواری رجحان دهد؟ جواب را از قول یکی از شاگردانش بشنوید که:

اشتوکلین فرهنگ کار (زمین‌شناسی) را در سازمان زمین‌شناسی بنا نهاد و آیندگان نیز از شیوه کار ایشان بهره وافر گرفتند. آموختیم چگونه در شرایط سخت زندگی کنیم. با حداقل امکانات رفاهی در اقصی نقاط کشور بسازیم و خدمت کنیم و به نوآوری یافته‌های خود بیاندیشیم. روانش شاد، پادش گرامی باد.